

تعالی وقت رسول وی فرمود که اینک مع من اُخبت و لکن اُخبت  
و آن مرد دیگر که کم مجلس آن حضرت حاضر شدی وفات رسول  
علیه و سلم فرمود که هیچ دانتی شما که خدا را تعالی ویرا در پشت  
در آورد اصحاب در یکدیگر نگرستند و تعجب نمودند بعضی  
برخاستند و پیش زوجه وی زقند و ویرا از قول رسول  
صلی الله علیه و سلم خبر کردند و از تعجب خویش از آن حال زوجه وی  
گفت چنین است که شما می گوید و لکن هرگاه که می شنید که نزد  
می گفت اشهدان محمد رسول الله و می گوئی که اشهد به مع کل  
شاهد و کفی به من ابی چون اصحاب به پیش رسول صلی الله  
علیه و سلم بازگشتند فرمود که پیش اهل فلان کس ز قید و ویرا  
از آنچه من گفتم خبر کردید و می شمارا خبر کرد از آنچه می گفت هر  
که باک نمازی شنید گفتند آری یا رسول الله فرمود که بسبب  
خدا تعالی ویرا بهشت در آورد **وازان جمله آنست**  
که عقب بن عامر البیهقی رضی الله عنه گفته است که روزی که خدمت  
رسول صلی الله علیه و سلم می کردم چون از پیش وی بیرون آمدم  
دیدم که جماعتی از اهل کتاب کتابها همراه آمدند و گفتند دستوری  
خواه تا بروی در آییم بازگشتم و رسول را صلی الله علیه و سلم از آن  
حال خبر کردم فرمود که سرا بایشان چه کار مرا از چیزهای بیستند  
من نمی دانم من بنده ام نبی دانم مگر آنچه پروردگار من را بیان دانا

کردانند

کردانند بعد از آن فرمود که برو و ایشانرا و هر که از اصحاب من  
حاضر است میرا درون آر چون ایشانرا در آوردم و رسول  
صلی الله علیه و سلم ایشانرا دید فرمود که اگر می خواهید شما را خبر  
دسم از آنچه می خواهم که سوال کنید و چنان خبر دهم که در کتب  
شما مسطور است گفتند آری خبر ده ما را پیش از آن که ما سخن  
گوییم از آنچه می خواهیم که ما سوال کنیم فرمود که آمده اید تا مرا از  
قصد اسکندر سوال کنید و من شما را خبر دهم از وی چنانکه در  
کتاب شما مسطور است بعد از آن قصه اسکندر را بگفت لیخبر  
نمودند و گفتند قصه اسکندر همچین مسطور است که تو گفتی  
**وازان جمله آنست** که حبیب بن مسلم قهری رضی الله عنه پیش  
رسول صلی الله علیه و سلم آمد مدینه پدر وی در عقب وی آمد  
و گفت یا رسول الله پسر من دست و پای منست فرمود که ای  
حبیب با پدر خود بازگرد که وی زود می رود در میان سال برد  
**وازان جمله آنست** که عمران بن حصین رضی الله عنه گفته است  
که در سفری با رسول بودیم صلی الله علیه و سلم یک شب تا آخر شب  
بر اندیم و نزدیک صبح فرود آمدیم و در خواب بودیم چنانکه بیدار  
نگرد ما را که حرارت آفتاب و اقول کسی که بیدار شد ابو بکر بود رضی  
الله عنه بعد از آن عرضی الله عنه چون آن حال را مشاهده کرد  
با او بلند تکبیر گفت چنانکه رسول صلی الله علیه و سلم بیدار شد

Copyrighted by www.KitaboSunnat.com